

آسیب شناسی حق بر آموزش و پرورش رایگان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حسین خزائی (نویسنده مسئول)

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت نظارت و بازرسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

Hosseinkhazaei1481@gmail.com

سعید قاضی

دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران و قاضی دادگستری.

saeedghaedilaw@gmail.com

قابل انتشار در دوره ۲۴ شماره ۶۲ (تابستان ۱۴۰۴) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده

حق بر آموزش و پرورش رایگان در اسناد حقوق بشری و پیرو آن در حقوق داخلی و قوانین اساسی کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این حق در جمهوری اسلامی ایران اصولی از قانون اساسی را به خود اختصاص داده و در قوانین عادی بر آن تاکید شده است. با این حال، حق بر آموزش و پرورش رایگان در ایران همواره با آسیب‌های تأثیرگذاری روبرو می‌باشد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات و منابع مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که حق بر آموزش و پرورش رایگان مصرح در قانون اساسی با چه آسیب‌هایی مواجه می‌باشد؟ برآیند پژوهش حاکی از این است که دولت به معنای عام یعنی همه‌ی قوای حاکمیتی با توجه به قانون اساسی، باید رفع آسیب‌های سخت مانند تامین بودجه کافی، تبیین یک سیاست پایدار در نظام آموزشی، توجه به اصل آموزش رایگان و همگانی و اجباری بودن آموزش، توجه به رفاه معلمان و انطباق آموزش با ارزش‌ها و فرهنگ مهاجرین را سرلوحه کار خود قرار دهند. از سوی دیگر وزارت آموزش و پرورش نیز میبایست مطابق اسناد بالادستی از جمله توجه به سند تحول بنیادین در صدد رفع آسیب‌های مهم داخلی مانند کمبود نیروی انسانی، ایجاد تنوع در کتب و مواد آموزشی، ایجاد زیرساخت‌های مناسب فناوری اطلاعات و ارتباطات، توجه به آموزش دختران، گسترش عدالت آموزشی، آزادی انتخاب نوع آموزش و اصلاح ساختاری گام بردارد.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، آموزش و پرورش رایگان، سند تحول بنیادین، حق بر آموزش

Pathology of the right to free education in the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Abstract

The right to free education and training enjoys a special status in human rights documents, as well as in domestic laws and constitutions of countries. This right is enshrined in the Constitution of the Islamic Republic of Iran and emphasized in ordinary laws. However, the right to free education in Iran has always faced significant challenges. This research aims to answer the fundamental question of what challenges and damages the right to free education, as stated in the Iranian constitution, faces. The study uses a descriptive-analytical method and collects necessary information and resources through library research. The result of the research indicates that the government, in the general sense of all governing bodies, according to the constitution, must address severe issues such as providing sufficient budget, outlining a sustainable policy in the education system, focusing on the principle of free, Public, and compulsory education, paying attention to the welfare of teachers, and adapting education to the values and culture of immigrants. On the other hand, the Ministry of Education must also address important internal issues in accordance with higher-level documents such as the Fundamental Transformation Document. These issues include addressing the shortage of human resources, creating diversity in textbooks and educational materials, establishing appropriate infrastructure for information and communication technology, paying attention to the education of girls, expanding educational justice, freedom of choice in the type of education, and reforming the structure.

Keywords: Constitution, Free Education, Fundamental Transformation Document, right to education

مقدمه

حق بر آموزش به عنوان یکی از حقوق فرهنگی، از اهمیت ویژه ای در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک کشور برخوردار است و شناسایی آن در نظام حقوقی یک کشور، پیش نیاز آموزش مطلوب است. از اصول مسلم این حق می توان اجباری بودن، رایگان بودن، همگانی بودن، منع تبعیض در ارائه نوع و کیفیت خدمات آموزشی، حق والدین در انتخاب شیوه نگرش حاکم بر آموزش فرزندانشان و آزادی تأسیس مؤسسات آموزشی را برشمرد؛ بی شک در تمام موارد مذکور، نقش دولت بسیار تأثیرگذار است. این حق در اسناد بین المللی و قوانین اساسی کشورهای مختلف، جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. از این رو دولت نه به معنای قوهی مجریه بلکه به معنای همه قوای حاکمیتی باید در صدد تلاش برای ایجاد یک نظام آموزشی منطبق بر موازین بین المللی برآیند. تربیت و آموزش صحیح، رایگان و عدم تبعیض نمود پیشرفت یک کشور و آیندهی درخشان آن می باشد چنان که مدیران حرفه ای و سیاسی، پزشکان، مهندسان، معلمان و ... از دل این آموزش پدید می آیند. مطابق اصل سی قانون اساسی فراهم نمودن وسایل و امکانات آموزش و پرورش رایگان بر عهده دولت گذاشته شده است و موظف است تا سرحد خودکفایی کشور آن را گسترش دهد. ولی شوربختانه آموزش و پرورش در تحقق این امر با آسیب هایی روبرو می باشد که عدم توجه به آنها هر ساله در امر آموزش تاثیر گذار بوده و باعث می شود اصول مرتبط با آن در قانون اساسی نادیده گرفته شود. در این باره تاکنون پژوهشی که به این آسیبها بپردازد صورت نگرفته است و بیشتر پژوهش های مرتبط در حول محور آزادی آموزش و پرورش، تعهدات دولت ها در قبال آن و بررسی فقهی آن نگاشته شده است. از این رو در پژوهش حاضر به حق آموزش و پرورش رایگان و همگانی، و آسیب هایی که آموزش و پرورش در تحقق این حق با آنها رو به رو می باشد پرداخته شده و راهکارهایی نیز ارائه شده است. روش تحقیق در این نوشتار توصیفی تحلیلی می باشد و اطلاعات تحقیق با مراجعه به منابع کتابخانه ای و غیره گردآوری شده است.

۱- حق بر آموزش و پرورش رایگان

در مورد حق بر آموزش رایگان تعاریف مختلفی وجود دارد از جمله در بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که حق بر آموزش را چنین تعریف می کند: «هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره مند شود، آموزش و پرورش لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد.

بر همین مبنا قانون اساسی هر کشور با نام مادر قوانین، اساس سازماندهی سایر قوانین کشور است. در مجاورت آن وزارتخانه ای چون آموزش و پرورش عهده دار آموزش و تربیت رایگان دانش آموزان می باشد. روند اجتماعی کردن دانش آموزان نیز از اهم وظایف این وزارتخانه محسوب می شود و برای نیل به این هدف در کتاب های آموزشی، دانش آموزان را با قانون و چگونگی زندگی در جامعه مطلع می سازند. در حالی که امروزه مشاهده می کنیم که در عمل یکی از اهم اصول قانون اساسی یعنی اصل سی ام، مورد توجه قرار نگرفته دستخوش نسیان و فراموشی شده است. توجه

به این مسئله از آنجا ضروری است که در صورت محو نمودن و عدم توجه به آن، باعث تردید در آینده دانش آموزان و قدرمطلق پیروی آن‌ها می‌شود.^۱

بنابراین علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها اهمیت حق بر آموزش و پرورش رایگان در اسناد متعدد حقوق بشری ذکر شده است؛ مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که حق بر آموزش را برای همگان به رسمیت شناخته و کشورهای عضو را نیز متعهد به شناسایی این حق نموده است. همچنین در این میثاق، بر اجباری بودن آموزش و پرورش ابتدایی تأکید شده است.^۲ از دیگر اسناد مهم می‌توان به بند چهارم ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳، مواد ۲۹ و ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک^۴ مصوب سال ۱۹۸۹، ماده ۲ پروتکل نخست الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۵ و ماده ۱۴ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا^۶، ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی^۷ و کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش^۸ در همین راستا تنظیم و تصویب شده اند. از مجموعه اسناد مذکور، وجود اصل رایگان بودن آموزش و پرورش در راستای تضمین حق و آزادی آموزش قابل استنتاج است.^۹

آموزش رایگان و اجباری را باید مرهون تصویب "قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی" در سال ۱۳۲۲ بدانیم که پیش از توصیه اعلامیه جهانی حقوق بشر، تعلیمات عمومی را در کشور رایگان و به تدریج اجباری نمود. تحصیل رایگان از شهریور سال ۱۳۵۳ به تدریج به همه مقاطع تحصیلی تا دکتری تعمیم یافت و مدارس غیر دولتی با خرید ساختمان‌ها و تجهیزات آنها و استخدام و احتساب سوابق کارکنانشان به دولتی تغییر یافتند. چنانکه تصویب میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۵۴ که به آموزش و پرورش رایگان و همگانی اشاره می‌نمود، در حوزه آموزش عموماً تأکیدی بر قواعد موجود بود.

پس از انقلاب اسلامی، از آنجا که برقراری عدالت اجتماعی و به تبع آن گسترش عادلانه علم و دانش از مهمترین اهداف انقلاب و مطالبه ای اجتماعی بود در اصل سی قانون اساسی سال ۱۳۶۸ چنین تأکید شده است " دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد" مضمون این اصل در ماده ۱۰۴ منشور حقوق شهروندی نیز تکرار گردیده است. علاوه بر این قانون «اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش» از جمله قوانین عادی است که در آن تأمین آموزش و پرورش «رایگان» تبیین شده است. قانون مذکور که در سال ۱۳۶۶ به تصویب

^۱ مهرداد بدیعی، غلامحسین مسعود و فرامرز عطریان، « دولت رفاه و آموزش و پرورش رایگان با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوق پزشکی، ویژه نامه نوآوری حقوقی (۱۴۰۰)، ۹۷.

^۲ BhaskaraRoa, D. Education for all Global Consensus Dehli: APH Publishing Corporation (2007), 46.

^۳ United Nations (1966), International Covenant on Civil and Political Rights.

^۴ United Nations (1989), Convention on the rights of the child.

^۵ Council of Europe (1950), First Additional Protocol to the European Convention on Human Rights.

^۶ European Parliament (2000), Charter of Fundamental Rights of the European Union.

^۷ OIC (1990), Cairo Declaration on Human Rights in Islam.

^۸ UNESCO (1960), Convention against Discrimination in Education.

^۹ محمد مظهري، سيد علي موسوي و رحيم رواني، « بررسی حق تحصیل از لحاظ عوامل وابسته به آن در نظام حقوقی ایران»، نشریه مطالعات شهروندی، ۱، ۲ (۱۴۰۱)، ۸۸.

مجلس شورای اسلامی رسیده، در بند ۲۲ ماده ۱۰ آن بر «تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه» تصریح شده است.

۲- آسیب‌های حق بر آموزش

امروزه نظام آموزشی به عنوان مؤلفه اساسی و بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی اجتماعی جوامع بشری در نظر گرفته می‌شود. زندگی اجتماعی انسان‌ها با آموزش و یادگیری گره خورده است؛ چنان‌چه توسعه همه‌جانبه هر کشوری بدون سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی امکان‌پذیر نمی‌باشد. نظام‌های آموزشی در دنیا با موانع و مشکلاتی روبرو هستند که می‌تواند فرصت‌های آموزشی را تبدیل به تهدید و آسیب کند. نظام آموزشی در جامعه ایران نیز برای تحقق اهداف خود در قانون اساسی، با آسیب‌های جدی مواجه است که آگاهی و شناخت نسبت به آن می‌تواند راهکارهایی پیش‌روی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و مدیران نظام آموزشی قرار دهد تا به گونه بهتری و با شناخت بیشتری نسبت به مسائل و مشکلات و چالش‌های روبرو، برنامه‌ریزی و تصمیمات نتیجه‌بخشی اتخاذ کنند. با توجه به این مهم، در ادامه آسیب‌هایی که آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نسبت به حق بر آموزش با آن‌ها مواجه می‌باشد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱- آمیختگی آموزش با سیاست

در سال‌های اخیر نظام آموزشی در اختیار نظام اجتماعی بود ولی شوربختانه امروزه در اختیار نظام سیاسی قرار گرفته است و نظام سیاسی در جهت خواست و برنامه‌های خود آموزش و پرورش را هدایت می‌کند نه بر اساس خواست و تعاملات نظام اجتماعی. اساس نظام اجتماعی بر پایه وفاق و همبستگی اجتماعی است که این امر در نظام سیاسی کمتر مشاهده می‌شود. در نظام سیاسی نزاع قدرت و حذف یکدیگر به شدت وجود دارد و این امر در نظام آموزشی تاثیر مستقیم دارد. هر جناحی که در دولت حاکم می‌شود یک نوع نظام آموزشی را طراحی و اجرا می‌کند و در دولت بعد این نظام تغییر پیدا کرده و آموزش و پرورش را مختل می‌سازد^{۱۰}. هرچند میزانی از سیاسی بودن آموزش و پرورش طبیعی بوده و در همه کشورها مشاهده می‌شود ولی در ایران این میزان از حد طبیعی فراتر رفته و یکی از دلایل آن را می‌توان وجود نظام آموزشی متمرکز عنوان کرد. از این رو به دلیل ساختار متمرکز و جلوگیری از مشارکت واقعی، معلمان و والدین در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نمی‌کنند. بنابراین با عدم تمرکز نظام آموزشی، مشارکت واقعی معلمان و مدیران، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی در همه ابعاد نظام آموزشی امری ضروری است. در مقام اشاره به سند تحول بنیادین به عنوان یک سند بالادستی باید گفت: با تغییر دولت‌ها و احتمالاً به روی کار آمدن دولت رقیب بسیاری از برنامه‌ها هم تغییر می‌کند. از زمان تصمیم‌گیری برای نگارش سند تا به امروز دولت‌هایی بر سر کار آمدند که هر کدام به مسلک متفاوتی پایبند بودند؛ اگرچه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سندی بالادستی است که سیاست‌های کلی حکومتی را مشخص می‌کند و بر پایه مرام جمهوری اسلامی به تصویب رسیده است اما در حوزه اجرایی، این رویکرد دولت است که تعیین‌کننده برنامه‌های عملیاتی برای اجرایی شدن این سند است. در این میان تغییر مداوم وزرای آموزش و پرورش در روند

^{۱۰} «صدای معلم»، پایگاه خبری تحلیلی معلمان ایران، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵، آدرس:

پیشبرد اهداف سند بی تأثیر نبوده است به همین دلیل تأثیر سیاست بر آموزش هم از موضوعاتی است که باید پیگیری شود.

۲-۲- بسط و گسترش عدالت آموزشی

تحقق عدالت از شعارها و اهداف اجتماعی حاکم در جوامع بشری و یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف آموزش و پرورش است، عدالت در این محیط ها یک نکته کلیدی می باشد^{۱۱}. فراهم کردن فرصت های برابر و عادلانه آموزشی جزئی از عدالت آموزشی است و رسیدن به عدالت آموزشی برای تمام جوامعی که آموزش و پرورش را یک جزء مهم در زندگی افراد می دانند امری ضروری به شمار می رود^{۱۲}. در فصل پنجم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، گسترش و تامین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق مختلف از جمله مناطق مرزی و دور افتاده یکی از راهبردهای کلان این سند می باشد. بعضی عدالت آموزشی را به دو قسمت عدالت افقی و عدالت عمودی تقسیم کرده اند؛ عدالت افقی در آموزش یعنی تعداد صندلی، کلاس، معلم و سایر امکانات آموزشی که هم شهر و هم روستا باید به نسبت جمعیت داشته باشند^{۱۳}. و عدالت عمودی اشاره به رفتار برابر با نابرابرها دارد. در این نوع عدالت تلاش می شود تا برای هر دانش آموز مطابق نیاز و شرایط او، خدمات و منابع آموزشی فراهم شود^{۱۴}. بر مبنای اصول قانون اساسی ایران می توان بیان داشت که دولت در راستای حق آموزش وظیفه دارد در ضمن اینکه وسایل و محیط آموزشی رایگان را مهیا نماید، شرایط را به گونه ای فراهم نماید که هیچ کس از هیچ قشری به دلیل فقر و ناداری از نعمت دانش اندوزی بی بهره نماند^{۱۵} از سوی دیگر این فضاهای آموزشی باید دارای شرایط صحیح ایمنی، بهداشتی و استانداردهای پذیرفته شده باشند^{۱۶}. علاوه بر این دسترسی فیزیکی و اقتصادی به نهادهای آموزشی نیز تکلیفی است که دولت در راستای اجرای حق بر آموزش مکلف است نسبت به مردم خویش انجام دهد. ولی متأسفانه بسیاری از مناطق دور افتاده و مرزی کشور به امکانات آموزشی دسترسی ندارند و این خود باعث عدم عدالت آموزشی فراگیر می شود. از سوی دیگر در مدارس که دور افتاده نیستند هم تبعیض هایی مشاهده می شود مانند وجود مدارس خصوصی؛ و آن هایی که درآمد کافی دارند تلاش و سرمایه گذاری بیشتری را برای فرزند خود به عمل می آورند و امکانات کافی را در اختیار آن ها قرار می دهند. در حالی که مدارس دولتی از امکانات ناکافی و فرسوده برخوردار هستند و این منجر به کاهش کیفیت آموزشی و وجود تبعیض ما بین دارا و ندار می شود. عدالت آموزشی زمانی تحقق می یابد که بتوان سطح عمومی آموزش را تا حد ممکن در سراسر کشور و به خصوص در مناطق محروم بالا برد.

¹¹ Macleod, C. M. Development of women`s education in Kenya, International NGO journal, 5, (3), (2010), 69.

¹² Levin, H. M. The economic payoff to investing in educational justice. Educational Researcher, 38(1), (2009), 11.

¹³ محسن رنایی، توسعه یعنی عدالت در آموزش انسان محور (تهران: سیاستگذار رفاه، ضمیمه اقتصادی شرق، ۱۳۹۴)، ۱۷.

¹⁴ Capatano, J. The challenges of equity in public education (2017). www.jordancapatano.us

¹⁵ قاسم شعبانی، «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران»، (تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۹۳)، ۸۶.

¹⁶ منوچهر طباطبایی مومنی، «بررسی و تحلیل حقوق شهروندی و حقوق بشر آزادی های عمومی و حقوق بشر»، (تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۴۰۱)، ۷۱.

به طور کلی باید همه اصلاحات، سیاست گذاری‌ها، برنامه ریزی‌ها و تصمیمات خرد و کلان در نظام‌های آموزشی برای تحقق عدالت آموزشی و دسترسی عادلانه همه یادگیرندگان جامعه به فرصت‌های آموزشی انجام شوند. برای اینکه بتوان اهداف تعیین شده را محقق کرد باید به تمام ذی‌نفعان آموزشی، نحوه مشارکت، نیازها و تفاوت‌های آن‌ها، شرایط فردی و خانوادگی، جنسیت، محل سکونت، قومیت، مذهب و دوزبانه بودن آن‌ها توجه کرد. مطابق آیات و روایات همه افراد جامعه باید از حقوق برابر برخوردار باشند و هیچ کس در جامعه نسبت به دیگری برتری ندارد. از وظایف آموزش و پرورش است که دانش آموزان را با عدالت آشنا کند و با برنامه‌ریزی و عملکرد عادلانه عدالت آموزشی را نهادینه کند و زمینه را برای تحقق عدالت اجتماعی فراهم نماید.^{۱۷}

۳-۲- کمبود نیروی انسانی

یکی از ضعف‌های همیشگی آموزش و پرورش نیروی انسانی و تامین آن به شیوه درست و تدوین شده در سند تحول بنیادین و برنامه‌های توسعه است. اگر این ضعف از طریق مشخص کردن تعداد و نحوه جذب نیروی انسانی در برنامه هفتم توسعه رفع شود، مشکل عمده‌ای از دوش مسئولان اجرایی آموزش و پرورش برداشته خواهد شد. چرا که دغدغه بیشتر آموزش و پرورش تامین بودجه و تامین نیروی انسانی است. برای این کار لازم است ابتدا آسیب شناسی دقیق از تعداد نیروهای انسانی مورد نیاز در سال‌های پیش رو صورت بگیرد. بر اساس تخمین دقیقی که انجام می‌شود تعداد جذب سالانه از طرق مختلف در قانون برنامه گنجانده شود. بنابر آمار اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، در سال ۱۴۰۰، بیش از ۱۴ میلیون دانش آموز در کشور وجود دارد که از این تعداد هشت میلیون نفر در دوره ابتدایی، سه میلیون نفر در دوره متوسطه اول و ۲ میلیون نفر در دوره متوسطه دوم مشغول به تحصیل هستند. کمبود شدید نیروی انسانی در نتیجه افزایش نرخ بازنشستگی کارکنان این وزارتخانه در سال‌های آتی است، بنابراین توجه به تامین نیروی انسانی در سال‌های پیش رو، امری حیاتی و ضروری محسوب می‌شود. برای حل این مشکل راهکار تلفیقی را باید مد نظر قرار داد که شامل جذب گسترده و یکباره از طریق آزمون جذب با اذن رهبری و موافقت دولت، احیای برنامه معلم تمام وقت ۳۰ ساعته معلمان، جذب گسترده سرباز معلمان و آموزش آن‌ها در دوران تابستان به مدت دو سال، گسترش مدارس خصوصی با رویکرد جدید و جذب نیروهای قراردادی یکساله معین با حقوق قانون کار می‌باشد که بار مالی طولانی برای دولت به همراه نداشته باشد. هر چند آموزش و پرورش هر ساله با جذب تعدادی زیادی از نیروهای غیر رسمی از جمله سرباز معلمان تا حدودی تامین نیرو می‌کند ولی با توجه به انگیزه‌های این نیروهای جوان که با تحصیلات عالی کارشناسی و کارشناسی ارشد و گاه دکتری به امر تدریس می‌پردازند بهتر است مقدماتی برای جذب دائمی این نیروها به کار گیرد؛ چنانکه این نیروها دارای دو سال سابقه تدریس در مدارس مناطق محروم و کم‌توسعه روستایی، کد پرسنلی آموزش و پرورش، ابلاغ رسمی رایانه‌ای، قرارداد مستقیم با آموزش و پرورش، دوره دیده دانشگاه فرهنگیان، قبولی در آزمون پایان دوره، مشارکت در آزمون دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان، حقوق مستقیم از ردیف بودجه، گزینش شده توسط آموزش و پرورش، سابقه و تجربه همکاری در اداره آموزش و پرورش به‌عنوان نیروی اداری در ماه‌های تابستان می‌باشند و از طرفی هزینه‌های کمتری هم برای جذب آن‌ها و روند استخدامیشان خرج می‌شود. در این بین می‌توان به جذب نیروهای حق تدریس،

۱۷ فاطمه اسلامی هرندی، فریبا کریمی و محمد علی ناد، «شناسایی مولفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۳، ۴۷ (۱۳۹۸)، ۶۸.

نیروهای کمک خدمات، مربیان و معلمان مدارس غیر انتفاعی و... نیز که به نحوی با آموزش و پرورش همکاری داشته و دارای سابقه تدریس می‌باشند با رعایت اولویت در جذب اشاره نمود.

۲-۴-عدم تنوع در کتب و مواد آموزشی

از جمله نقدهای مهمی که از سوی بسیاری از کارشناسان و اساتید بر تفکر حاکم بر آموزش و پرورش ایران دیده می‌شود استفاده از روش‌های قدیمی و منسوخ در طراحی کتب و محتوای آموزشی می‌باشد که نتیجتاً بر تدریس و آموزش نیز تاثیر می‌گذارد. کتب درسی و مواد آموزشی به شکلی که واجد آن هستیم، پدیده آموزشی قرن حاضر است که کارکردهای ویژه‌ای را از خود به ظهور رسانده است. در فلسفه آموزش و پرورش حاکم در ایران؛ به نقش تربیتی معلم، جایگاه متون آموزشی، حدود رفتار مطلوب فراگیران و دامنه عمل آنان و تاثیر فضای آموزش کمتر توجه شده است. کتب درسی از آنجا که همواره در دسترس و در معرض قضاوت می‌باشد، به طور مستمر محل مذاقه اهل نظر بوده و به یکی از حساس‌ترین عملکردهای نظام رسمی آموزش و پرورش تبدیل شده است. کتاب‌های درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط مشی آموزشی دارند، باید کانون توجه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش قرار گیرند. از آنجایی که مطابق سند تحول بنیادین، بازنگری و تولید محتوی مواد آموزشی همسو با اهداف و برنامه های تحولی آموزش و پرورش یکی از راهکارهای تنوع بخشی در فرایند آموزش می‌باشد؛ اما همچنان یکی از چالش های موجود در آموزش و پرورش عدم بهره گیری از علم دانشمندان، اساتید دانشگاه، نخبگان علمی و صاحب نظران برجسته در شورای بازنگری محتوای کتب درسی برای تنوع در مواد آموزشی می باشد به گونه ای که آموزش و پرورش از منابع داخلی خود یعنی اساتیدی که در بدنه خود تربیت کرده استفاده می کند؛ درحالی که میبایست برای تنظیم صحیح و متنوع کتب آموزشی از مرزهای وزارتخانه فراتر رفت و با افزایش گستره مولفین از دانش سایر متخصصین، اساتید و کارشناسان در امر بازنگری و تولید محتوی آموزشی بهره برد تا چنین امری معطوف به نظرات جمعی محدود نشود.^{۱۸}

اهمیت تنوع کتب آموزشی در نظام‌های آموزشی متمرکز مانند ایران که تقریباً تمام عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا می‌شود بیش از سایر انواع نظام‌های آموزشی است؛ و به خاطر چنین امر مهمی، صرف وقت نیروهای متخصص در ارزشیابی و تحلیل کتاب‌های درسی در راستای جلوگیری از تراکم داده ها و توجه به ظرفیت مواد آموزشی می‌تواند راه‌گشای حل بسیاری از مشکلات جاری آموزش باشد. درحال حاضر کتب آموزشی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع برای یادگیری به شمار می‌آیند. چراکه بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب این رسانه صورت می‌پذیرد. بنابراین ضرورت دارد با استفاده از تجربیات و دانش سایر افراد خارج از بدنه وزارت آموزش و پرورش در متون کتب درسی و برنامه‌های مدارس تجدیدنظر شود و روش‌های آموزشی مورد تعدیل و تطبیق قرار گیرند.

۲-۵-کافی نبودن بودجه آموزش و پرورش

^{۱۸} سید حسن موسوی، «نقش کتب درسی در برنامه‌های آموزشی»، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹: آدرس:

مطابق ماده ۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، «وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد...» پس وزارت آموزش و پرورش به عنوان یک وزارتخانه مهم، برای دستیابی به اهداف دولت در حوزه تخصصی خود به بودجه نیاز دارد. براساس ماده ۱ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶، «بودجه، برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل به سیاستها و هدفهای قانونی می شود» تعریف شده است. بنابراین وزارت آموزش و پرورش به عنوان جزئی از دولت برای تحقق اهداف دولت که در قوانین مذکور به آن تصریح شده است به بودجه کافی نیاز دارد. از اینرو وزارت آموزش و پرورش همواره با کمبود منابع مالی رو به رو بوده است و همین امر می تواند بر اصل آموزش رایگان و کیفیت آن تاثیر بگذارد. لذا اگر قرار است آموزش و پرورش به آموزش و پرورش تراز جمهوری اسلامی و تاکید شده در سند تحول بنیادین برسد باید اشکالات و موانع پیشرفتت برداشته شود. نقدی که بر سند تحول بنیادین وارد است این می باشد که خود سند تحول بنیادین نیز برای اجرای هدفمند به بودجه نیاز دارد که هنوز ردیف بودجه مشخصی برای اجرای آن پیش بینی نشده است. لذا اگر قرار نباشد به امر مهم بودجه توجه شود مطمئنا مشکلات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی در آینده بیش از امروز خواهد بود. نکته حائز اهمیتی که باید درباره بودجه آموزش و پرورش بدان توجه داشت سهم «هزینه های پرسنلی» و «سایر هزینه ها» از بودجه آموزش و پرورش است. حدود ۹۵ درصد بودجه ای که دولت به آموزش و پرورش می دهد صرف هزینه های حقوق و دستمزد پرسنل آموزش و پرورش می شود و ۵ درصد باقی مانده صرف اجرای برنامه های تربیتی، فرهنگی، آموزش معلمان، رسیدگی به وضعیت مدارس، پرداخت سرانه مدارس، سخت افزارها، نرم افزارها، ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش، توسعه عدالت آموزشی و... می شود.^{۱۹} از اینرو مطابق راهکارهای ارائه شده در سند تحول بنیادین افزایش سهم هزینه های غیرپرسنلی در بودجه آموزش و پرورش به میزان مناسب به منظور ارتقای آموزش و تربیت ضروری می باشد. با این وجود هر ساله در لایحه بودجه برخی بندهای بودجه ای نسبت به سال قبل حذف می شود. بعنوان مثال بندهای بودجه ای مربوط به برنامه های هدایت، راهبری و توانمندسازی خانواده ها و کودکان، نظارت بر مهدکودکها، مراکز پیش دبستانی و مراکز آموزشی نگهداری کودکان و اجرای سیاستهای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سنجش و ارتقای صلاحیت های عمومی، حرفه ای و تخصصی و ارزیابی کیفیت عملکرد معلمان و مدیران، ارتقای بهره وری و اجرای نظام رتبه بندی معلمان، طراحی و پیاده سازی آموزش های علوم و فنون نوپدید (هوش مصنوعی، نانو، بیو و...) و راهبری و اجرای المپیادهای علمی، ملی و بین المللی دانش آموزان سرآمد، توسعه پژوهش سراها، مراکز رشد دانش آموزی، حمایت و ارتقای پوشش تحصیلی افراد لازم التعلیم و ایاب و ذهاب دانش آموزان مناطق محروم، مرزی، عشایری وحاشیه شهرها و تغذیه دانش آموزان مدارس شبانه روزی، شیر و تغذیه مدارس و کمک به تأمین سرانه مدارس به کلی حذف یا ندیده گرفته شده است.

بنابراین لازم است علاوه بر افزایش سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی و افزایش سهم آن از ردیف های متفرقه، مالیات بانکها و شرکت های دولتی و همچنین از محل درآمدهای حاصل از هدفمندسازی یارانه ها و وصول به موقع این مبالغ، بندهای دیگری در لوایح بودجه و قانون برنامه هفتم توسعه را که در بخش های دیگر وزارتخانه ها است به

^{۱۹} «بودجه آموزش و پرورش»، پایگاه روزنامه کیهان، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰، آدرس:

آموزش عمومی خصوصاً دوره ابتدایی و موارد ذکر شده اختصاص داد. این مهم چانه زنی و اقناع عمومی دیگر وزارتخانه ها و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه را می‌طلبد. در مورد سند تحول بنیادین نیز لازم به ذکر است که مجلس و دولت باید برای اختصاص بودجه مستقل جهت اجرای سند تحول بنیادین همکاری کنند البته پیش‌بینی و پیشنهاد ردیف مشخص "تحول بنیادین" در بودجه سالانه وظیفه آموزش و پرورش است که باید به آن توجه نماید.

۲-۶-عدم توسعه آموزش مجازی و زیرساخت‌های آن

با گسترش زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و فراگیر شدن استفاده از فضای مجازی در بخش‌های امروزی زندگی بشر و محدودیت بیماری‌های واگیرداری مانند کرونا، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی به صورت آنلاین امری اجتناب ناپذیر و مطلوب شده است. هرچند بر هیچ کس پوشیده نیست که کلاس‌ها و دوره‌های حضوری به دلیل وجود تعامل نزدیک بین شرکت‌کنندگان و نظارت بیشتر مربیان از نتیجه و بازده بالاتری برخوردار است اما به دلیل ملاحظات ذکر شده امروزه دیگر نمی‌توان ضرورت کلاس‌های آنلاین را انکار کرد.

بر اساس سند تحول بنیادین، گسترش بهره برداری از ظرفیت آموزش‌های غیرحضوری و مجازی در برنامه های آموزشی و تربیتی ویژه معلمان و دانش آموزان با رعایت اصول تربیتی از طریق شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات و نفوذ شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات در مدارس با اولویت پرکردن شکاف دیجیتالی بین مناطق آموزشی یکی از راهکارهای ارتقای کیفیت فرایند آموزش می‌باشد.

در این راستا سوالی که پیش می‌آید این است که آیا وزارت آموزش و پرورش زیرساخت های مناسب را برای تحقق آموزش همگانی و رایگان مصرح در قانون اساسی با تکیه بر استفاده از فناوری‌های نوین را دارد؟ با توجه به تجربه سالهای اخیر در امر آموزش مجازی در پی همه گیری ویروس کرونا می‌توان گفت پاسخ سوال فوق منفی می‌باشد. هرچند با راه اندازی شبکه اجتماعی دانش آموزان (شاد) سعی بر تداوم آموزش مجازی بوده ولی اختلال و قطعی اینترنت و گاهی از دسترس خارج شدن این شبکه باعث کندی آموزش یا قطع روند آموزش می‌گردد.

بنابراین مشکلات زیرساختی و بنیادی مربوط به اینترنت و شبکه‌های مخابراتی از جمله پهنای باند و سرعت اینترنت، عدم امکان استفاده از نرم افزارها و برنامه‌های تعاملی همزمان و ترجیحاً به شکل چهره به چهره که از ویژگی‌های این روش است، به دلیل سرعت پایین اینترنت از جمله چالش‌های موجود در کلاس‌های درس به صورت مجازی است. در محیط آموزش و یادگیری مجازی، اولین محدودیتی که برای اجرای یادگیری مشارکتی وجود دارد، بحث فضای مناسب برای کار گروهی و مشارکتی دانش‌آموزان است. در حال حاضر، بستر مورد استفاده در یادگیری مجازی در سطح مدارس ایران، برنامه شاد می‌باشد و معمولاً برای هر کلاس، یک گروه تعریف می‌شود. زمانی که معلم قصد گروه بندی دانش‌آموزان به منظور کار مشارکتی را دارد با محدودیت گروه‌بندی برای یادگیری مشارکتی برای حضور در گروه‌ها به طور جداگانه روبرو است. همچنین استفاده از چنین بستری با محدودیت‌هایی نظیر به اشتراک گذاری فایل‌ها، هزینه های جانبی و غیره روبرو می‌باشد.^{۲۰}

^{۲۰} محدثه ربانی، محمد رضا کرامتی و کیوان صالحی، «یادگیری مشارکتی در محیط برخط: چالش‌ها و راهکارها»، نشریه علمی فناوری آموزش، ۲۰۱۸، ۲، ۱۴۰۲، ۸.

از سوی دیگر با وجود تاکید بر آموزش همگانی و رایگان در قانون اساسی، بسیاری از دانش آموزان به دلیل محدودیت‌های اقتصادی توان تامین تجهیزات مربوطه را ندارند و همین امر مانع از تحصیل آنان در چنین بستری شده و اصل همگانی و بدون تبعیض آموزش را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در نتیجه برای تضمین کیفیت آموزشی و برگزاری هرچه بهتر این نوع کلاس‌ها، تأمین بسترهای فنی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها در راستای آشنایی با محیط آموزش مجازی که در حوزه وظایف دولت قرار دارد امری لازم می‌باشد. به عبارت دیگر پیش از برگزاری کلاس‌های آنلاین باید از دسترسی معلمان و دانش‌آموزان به سخت افزارها و نرم افزارهای لازم همانند اینترنت پرسرعت نیز اطمینان حاصل کرد. امروزه بحث فناوری اطلاعات در جهان یک معضل نیست زیرا بسیاری از کشورها از چنین امکاناتی بهره مند هستند و انتظار می‌رود این امر هم در کشور ما رفع شود تا دانش آموزان در چنین شرایطی ناشی از یک ویروس یا تعطیلی مدارس بر اثر سایر پدیده‌ها از تدام امر آموزش غافل نشوند.

۲-۷- ضرورت آموزش اجباری

همان گونه که نمیتوان هیچکس را به زور و اجبار از حقی محروم نمود یا مجبور به بهره مندی از حقی کرد و در حقیقت چندان با حق بودن آن سازگار نیست، اما اهداف توسعه گرایانه و لزوم ایجاد انسجام ملی میتواند این اجبار را توجیه نماید. اجباری نمودن تحصیلات ابتدایی حاکی از اهمیت فوق العاده حق بر آموزش در سطوح پایه و اساسی است چرا که آموزش در این سطوح علاوه بر اینکه فرد را آماده یادگیری آموزه‌های بالاتر و کاربردی تر می‌کند یکی از معضلات اساسی جوامع یعنی بیسوادی را نیز ریشه کن می‌سازد. معضلی که در جوامع امروزی با توجه به پیشرفت‌های متعدد در علوم گوناگون و تغییر نیازها و شیوه‌ی برآورده شدن آنها و تغییر سبک زندگی اجتماعی به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست و حتی بالاجبار باید از میان برداشته شود تا هم سعادت فرد و هم سعادت جامعه به میزان حداقلی تأمین گردد. لذا حق بر آموزش و پرورش اجباری ایجاب می‌کند اولیاء اطفال، الزاماً نوباوگان خود را از سنین معین و برای مدت مشخصی به مدرسه بسپارند. آموزش اجباری به‌طور کلی به مهمترین دوره آموزش رسمی اطلاق می‌شود که طبق قانون برای همه کودکان یک کشور خاص در سنین معین مورد نیاز است. مدت حضور اجباری معمولاً توسط دولت با توجه به سن دانش آموزان تعیین می‌شود. با این فرض خدمات آموزشی اجباری عموماً وظیفه دولت است و بنابراین توسط دولت ارائه و یا کنترل می‌شود.²¹

در خصوص اجباری بودن آموزش هرچند در قانون اساسی ایران صراحتاً به این موضوع اشاره نشده است لکن در قوانین و مقررات داخلی و نیز اسناد بین المللی که ایران آنها را امضا کرده است بر اجباری بودن آموزش تاکید شده است. عدم وجود ضمانت اجرای مناسب و نبود خواست واقعی مسئولان برای اعمال ضمانت اجرای پیش بینی شده در قوانین موجود، موجب اجرایی نشدن این قوانین گردیده است. لذا ضرورت دارد دولت از طریق تنظیم و ارائه "لایحه تحصیلات اجباری" به مجلس، زمینه تصویب قانونی جامع در این زمینه را با بهره‌گیری از ظرفیت دستگاه‌های اجرایی درگیر در موضوع فراهم نموده و با پیش بینی ضمانت اجرای مناسب و عملی این امر مهم را محقق سازد. در این راستا لازم است آموزش حداقل تا پایان دوره ابتدایی برای تمامی شهروندان اجباری گردد. در راستای پیش بینی ضمانت اجرای مناسب به موجب لایحه مذکور، لازم است والدین و سرپرستان قانونی کودکان لازم‌التعلیم

²¹ M. Seel, Encyclopedia of the Sciences of Learning. Springer (2012),697.

۶ تا ۱۱ سال مکلف گردند نسبت به ثبت نام کودک خود در مدارس رسمی دارای مجوز وزارت آموزش و پرورش اقدام نمایند و در صورت استتکاف با وجود فراهم بودن شرایط، به جزای نقدی محکوم شوند^{۲۲}. در این راستا نباید کسانی را که بنا به هر دلیلی مجبور به ترک تحصیل شده‌اند را فراموش کرد، لذا دولت باید روش‌های جایگزین را برای برگشت آن‌ها به تحصیل فراهم نماید. چنانچه در هند نظام آموزشی جایگزین، عمدتاً برای برنامه‌های نظام آموزشی استفاده می‌شود که هدف از آن فراهم کردن امکان آموزش کسانی است که از تحصیل در مدرسه باز مانده‌اند^{۲۳}. طبق ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، طلب علم یک فریضه و آموزش یک امر واجب است و بر جامعه و دولت لازم است که راه‌ها و وسائل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه‌ای که مصلحت جامعه را بر آورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت بکار گیرد.

۲-۸- توجه به آموزش دختران

در نظام آموزش و پرورش ایران برخی از دختران صرفاً تا پایان مقطع ابتدایی و در مواردی در یک مقطع بالاتر تحصیل می‌کنند؛ یکی از موانع ادامه تحصیل دختران، عدم باور والدین به ضرورت ادامه تحصیل می‌باشد؛ چنین امری در نقاط دوردست از شدت بیشتری برخوردار است. از موانع دیگر می‌توان به وضعیت مالی و اقتصادی ضعیف خانواده‌ها، دوری محل تحصیل از خانه، لزوم حفظ امنیت دختران، سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی جامعه، ازدواج دختران در سنین کم و در پی آن مخالفت همسر برای ادامه تحصیل دختران نام برد. از این رو برای رفع آسیب‌های موجود در آموزش دختران و رفع تبعیض، دولت باید طبق قوانین داخلی و بین‌المللی اقداماتی را در نظر گیرد. طبق بند "و" ماده ۱۰ "کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان"، دولت‌های عضو باید تعداد دختران دانش‌آموزی را که ترک تحصیل می‌کنند را کاهش داده و برای زنان و دخترانی که قبلاً ترک تحصیل کرده‌اند، جهت ادامه تحصیل برنامه‌ریزی کنند. اگر چه دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون ملحق نشده است ولی می‌تواند با بهره‌گیری از مفاد مهم و کاربردی کنوانسیون مذکور با آسیب‌های موجود در امر تحصیل دختران مقابله کند.

بنابراین دولت و مسئولان آموزش و پرورش باید تمهیداتی برای نابودی ریشه‌های بیسوادی یا کم‌سوادی اتخاذ کنند. از این رو لازم است کارگاه‌های آموزشی برای رشد آگاهی مردم محلی درباره پیامدهای منفی عدم تحصیل یا عدم ادامه تحصیل دختران، پیامدهای منفی ازدواج زود هنگام در سنین پایین که با ترک تحصیل همراه است، ضرورت رفع تبعیض میان فرزندان دختر و پسر برگزار شود تا زمینه برای تغییر تدریجی باورهای محدود کننده تحصیل دختران فراهم گردد. علاوه بر آن می‌توان «هنر و رسانه» را نیز برای رشد آگاهی اجتماع به کار گرفت. هنرهایی مانند تئاتر، نمایش، فیلم، داستان و غیره را می‌توان به عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه اجتماع برای رشد آگاهی مردم در زمینه‌های گوناگون از جمله ارزشمندی سوادآموزی و تحصیل دختران مورد استفاده قرار داد^{۲۴}. علاوه بر

^{۲۲} الهام مرندي، اعظم قرباني، «مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰، ۲۰ (۱۴۰۰)، ۱۱۶.

^{۲۳} shushmitta dutt, "Girls education as freedom, Indian journal of gender studies (2010), 15-18.

^{۲۴} زهرا فرضی زاده، مهدی طالب و محمودتوسلی، «بررسی موانع تحصیل دختران روستایی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۳، ۱۲۹ (۱۳۹۶)، ۱۲۹.

چنین امر مهمی، دولت باید شرایط مساوی برای هدایت شغلی و حرفه ای، دسترسی به تحصیل، اخذ مدرک از موسسات آموزشی در همه سطوح مختلف در مناطق شهری و روستایی، اعطای فرصت‌های مساوی با مردان برای استفاده از بورس‌ها و دیگر مزایای تحصیلی، امکان دسترسی یکسان به برنامه درسی، آزمون‌ها، کادر آموزشی، امکان تحصیلی و تجهیزات آموزشی و کاهش فاصله آموزشی بین پسران و دختران که در همه موارد مذکور از کیفیت و معیارهای مساوی با مردان برخوردار باشد را عملی سازد.

۹-۲- ضرورت توجه به رفاه معلمان

وضعیت حقوق و مزایا و معیشت معلمان، نه فقط در کشورما، بلکه در دیگر کشورهای دنیا یکی از مسائل مورد مناقشه به حساب می‌آید. در سال‌های اخیر حمایت‌های فردی و اجتماعی ناکافی از معلمان موجب شده است از منزلت اجتماعی این شغل در مقایسه با سایر مشاغل کاسته شود. اخیراً تجمع و اعتراض‌های متعدد از جانب معلمان نسبت به موقعیت معیشتی، اجتماعی و منزلتی خود گویای این مسئله است. در این رابطه دلایل سیاسی و اقتصادی باعث شده‌اند رفاه و معیشت نامطلوب معلمان به صورت مستقیم تحت تاثیر قرار گیرد.

۹-۲-۱- عوامل سیاسی

بنا به اظهارات معلمان این عامل یکی از اصلی ترین علل کیفیت رفاه معلمان به شمار می‌رود؛ و به طور کلی می‌توان تأثیرگذاری این عامل را در سه بعد تحلیل نمود.

۱-۲-۱- فقدان برنامه ریزی راهبردی در خصوص آموزش و پرورش و عدم ثبات سیاست‌های کلان در این مورد: به این معنا که چون برنامه‌های راهبردی و بلند مدت در نظام آموزشی وجود ندارد و با تغییر دولت‌ها، برنامه‌ها کلاً تغییر کرده و اکثر برنامه‌ها بدون دستیابی به اهداف تعیین شده متوقف می‌شوند، این بی‌ثباتی و فقدان برنامه‌های کارشناسی شده به بخش‌های مختلف نظام آموزشی از جمله رفاه معلمان آسیب می‌رساند.

۹-۲-۱-۲- وضعیت توسعه سیاسی و مشارکت مدنی در جامعه: در ارتباط با معلمان می‌توان گفت که اگر آنها این امکان را داشته باشند که از طریق یک نظام مشارکتی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود دخالت نمایند، برای دفاع از حقوق اقتصادی، اجتماعی، روانی و حرفه ای خویش کانون‌های مستقل داشته باشند و نهایتاً به وضعیت نامطلوب خود در چارچوب فعالیتهای مدنی اعتراض کنند و این اطمینان را حاصل نمایند که به خاطر این اعتراض مدنی بهای سنگینی نخواهند پرداخت، شاید وضعیت رفاه معلمان بهتر از امروز می‌شد.

۳-۲-۱-۹- دیدگاه سیاست گذاران در مورد تعلیم و تربیت: یافته‌های حاصل از مصاحبه با معلمان بیانگر این واقعیت است که اگر دیدگاه مسئولین کشوری و سیاستگذاران در مورد تعلیم و تربیت مثبت باشد، برای آن ارزش قائل باشند، به تولید سرمایه ی فکری و انسانی و تربیت انسان آگاه اهمیت بدهند و به طور کلی به تعلیم و تربیت بها

بدهند، نتیجه‌ی طبیعی آن فراهم ساختن منابع مالی درخور و موردنیاز آن می‌باشد که این خود نیز بر رفاه معلمان تأثیر بسزایی دارد^{۲۵}.

۲-۲-۹- عامل اقتصادی

آموزش و پرورش یکی از نظام‌های حیاتی هر جامعه است که منابع مالی و وضعیت معیشتی اصلی‌ترین منابع انسانی آن یعنی معلمان، تعیین کننده میزان کیفیت خروجی آن سیستم است. تأثیر عامل اقتصاد بر رفاه معلم را نیز می‌توان از چند بعد تحلیل نمود.

۱-۲-۲-۹- ضعف بنیادین در ساختار: عدم توانمندی در تولید و صادرات کالاهای با ارزش افزوده، وابستگی اقتصاد به صادرات نفت و فروش مواد خام، تمام بخش‌ها را با چالش‌های اقتصادی رو به رو ساخته که آموزش و پرورش هم از آن بی‌نصیب نمانده است. بنابراین اگر در مسیر توسعه اقتصادی گام برداشته شود و سیاست‌های حمایتی از آموزش و پرورش با اختصاص بودجه مناسب اصلاح گردد، وضعیت رفاهی معلمان و آموزش از جایگاه بهتری برخوردار خواهد شد. در نتیجه، ضعف بنیادین در ساختار اقتصاد و تولید کشور تأثیر نامطلوبی بر تمام بخش‌ها از جمله تعلیم و تربیت داشته است.

۹-۲-۲-۲- نگرش به صرف هزینه‌ها و منابع در آموزش و پرورش: تا زمانی که نگرش و نگاه به صرف منابع در آموزش و پرورش یک دیدگاه مصرفی و هزینه‌ای باشد و نظام آموزشی را یک نهاد پرهزینه قلمداد نمایند، وضعیت معیشت اصلی‌ترین منابع انسانی آن یعنی معلمان نیز در چنین تفکری در پایین‌ترین سطح خود خواهد ماند و تغییری نخواهد کرد^{۲۶}.

در نتیجه ضرورت توجه به شان و منزلت معلم نکته‌ای است که در کلیه دوره‌ها مورد توافق و تأکید مسئولان و کارشناسان امر بوده است. مشکلات معلمان پیچیده و چند بعدی است؛ از یک سو تأمین مسکن، هزینه‌های معیشتی خانواده، تلاش برای کسب شغل دوم و از سوی دیگر کاهش منزلت اجتماعی و عدم قدردانی از خدمات و زحمات معلم، رضایت در حرفه معلمی را کاهش داده است. بنابراین یکی از دلایلی که در طی سال‌های اخیر سبب نارضایتی معلمان و تحصن و اعتراض آنان شده است وضعیت نا بسامان رفاهی آن‌ها می‌باشد. عمده دلایل این نارضایتی‌ها اعتراض به وعده‌های مسئولین در جهت پیاده‌سازی رتبه‌بندی معلمان می‌باشد که این طرح در نیمه دوم دهه ۸۰ پی‌ریزی شد و هر ساله قرار بر اجرایی شدن و تأثیر مثبت این طرح بر جایگاه و رفاه معلمان بود که سرانجام در سال ۱۴۰۱ این طرح اجرایی شده و تا حدودی از نارضایتی معلمان کاست.

بنا بر مطالب گفته شده برنامه ریزی راهبردی و ثبات سیاست‌های کلان، وجود انجمن‌ها و کانون‌های صنفی مستقل و تأمین امنیت شغلی با رعایت اصل ۲۶ قانون اساسی، تغییر و ارتقای دیدگاه مسئولین کشوری نسبت به آموزش و حق بر آن و ساختار اقتصادی مناسب می‌تواند از آسیب‌های موجود در آموزش و پرورش و رفاه معلمان کاسته و در صدد رفع آن برآیند.

^{۲۵} نعمت‌اله عزیزی، پرپوش جعفری، خلیل غلامی، صلاح الدین محمدی عیسی آباد، «چگونگی ادراک معلمان کردستان از رفاه خویش و عوامل موثر بر آن بر پایه رویکرد داده بنیاد» مجله علوم تربیتی، ۲۴، ۲ (۱۳۹۶)، ۱۱۷.

^{۲۶} همان، ۱۱۸.

۲-۱۰- تعارض منافع ساختاری

وزارتخانه آموزش و پرورش بزرگ ترین وزارتخانه اجرایی ایران است که نظارت بر خود را نیز بر عهده دارد. آمار موجود درباره این وزارتخانه محدود به مواردی چون تعداد مدارس، تعداد معلمان و امکانات مدارس است؛ اما آماری برای سنجش کیفیت آموزش و پرورش دانش آموزان وجود ندارد و اینکه دیده می شود تا این حد به قبولی المپیادها و کنکورها استناد می شود به جهت فقدان آمار کیفی جامع از مدارس و مناطق است. این مسائل نشان دهنده این امر است که این وزارتخانه به صورت ساختاری، آماری کیفی از خود عرضه نمی کند. مثال آن، نمرات امتحان نهایی متوسطه دوم است که این امکان را فراهم می کند تا با استفاده از داده کاوی به ارزیابی عملکرد مدارس مختلف پرداخت و برای شرکت در آزمون های بین المللی در سطوح بالای وزارتخانه تصمیم گرفته شود. تربیت و آموزش بایستی توسط نهادی ارزیاب که خارج از وزارتخانه مزبور است مورد بررسی قرار بگیرد تا از طریق این ارزیابی ها بتوان به صورت دقیق تر و با اهدافی روشن و دست یافتنی سیاستگذاری کرد.^{۲۷}

۲-۱۱- بی توجهی به آزادی انتخاب نوع آموزش

مطابق قوانین موضوعه مرتبط با آموزش و پرورش از جمله قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و پیرو آن بند (ج) از ماده ۱۹ قانون مذکور به این امر که آموزش و پرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل ۱۵ قانون اساسی، گویش محلی و ادبیات بومی را در مدارس تقویت نماید پرداخته شده است. از آنجایی که کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ فرهنگی یک کشور کثرت گراست، تنوع قومی و نژادی در داخل کشور، تنوع فرهنگی را به همراه دارد و به همین خاطر این امر ایجاب می کند که در کنار برنامه های آموزش ملی به آموزش محلی نیز توجه شود.^{۲۸} از مدلول و منطوق مواد قانونی می توان «آزادی انتخاب نوع آموزش» را استنتاج نمود؛ یعنی آزادی در انتخاب نوع آموزش ملی یا محلی را مفروضاً آزادی آموزش تلقی میکنیم. هدف از به کار بردن زبان مادری، علاوه بر آموزش آن، به اشتراک گذاشتن زبان و فرهنگ نهفته در درون آن می باشد. این آموزش نمی تواند در تنهایی و به دور از هم زبانان ایجاد شود، زیرا این حق از طریق به اشتراک گذاشتن و ارتباط با دیگران قابل انتفاع است. لازم است افراد از دوره خردسالی و مقاطع اولیه آموزش قادر باشند نه تنها به زبان مادری خود آموزش ببینند، بلکه زبان مادری آنها و فرهنگی که در درون آن نهفته است به آنان آموزش داده شود. افرادی که زبان مادری آنها با زبان رسمی کشور متفاوت است، باید حداقل قادر باشند در مناطقی که تراکم جمعیتی قابل قبولی دارند، از آموزش به زبان مادری خود در کنار زبان رسمی کشور بهره مند شوند.^{۲۹} آزادی بیان، اصلی است که در ضمن برابری، همراه با عدالت می تواند مبنایی برای حمایت از حق بر زبان مادری در حوزه آموزش به شمار آید. آزادی استفاده از زبان نمی تواند ممنوع شود، مگر تحت شرایط بسیار محدودی از جمله حفظ نظم، سلامت و اخلاق عمومی یا جلوگیری از بیان سخنانی که

^{۲۷} حمید زینلی، «مسائل اساسی نظام آموزش و پرورش ایران» (تهران: اندیشکده سیاستگذاری تعلیم و تربیت هجرت ۱۴۰۲)،

۶.

^{۲۸} حسین رحمت الهی، زهرا دانش نازی «حق و آزادی آموزش و پرورش»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۳، (۱۳۹۳)، ۶۴.

^{۲۹} سعید رهایی، زهرا رزاق مرنودی، «حق بر زبان مادری و آموزش»، فصلنامه حقوق بشر، ۱۲، (۱۳۹۶)، ۹۹.

دارای مفاهیم نفرت انگیز هستند^{۳۰}. البته مقولهٔ زبان یکی از عناصر آموزش محلی است و امور دیگری چون مذهب و اعتقادات، عادات و عرف‌های مشترک را نیز در بر می‌گیرد.

به نظر می‌رسد از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی آموزش و پرورش به عنوان پیش فرضی که قابل قبول است، مورد توجه بوده و اشاره‌ی صریحی به آن نشده است. در اصل هدف تدوین کنندگان قانون اساسی این بوده است که بیسوادی از کشور رخت بر بسته و به موازات آن سطح آگاهی‌های عموم مردم نیز به طور قابل ملاحظه‌ای بالا برود^{۳۱}.

در همین راستا در اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی، در سنت‌حول بنیادین آموزش و پرورش، بر توانمندسازی دانش آموزان ساکن در مناطق دو زبانه بعنوان یکی از راهکارهای بسط عدالت در آموزش مطابق ویژگی مناطق مختلف کشور تاکید شده است. همچنین طرح تدریس ادبیات زبان‌های قومی و محلی در مدارس کشور در قالب ۵ ماده در کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس به تصویب رسید که بر اساس آن وزارت آموزش و پرورش مکلف است از سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ ترتیبی اتخاذ کند تا ادبیات زبان‌های محلی و قومی متناسب با هر منطقه به صورت دو واحد اختیاری (دو ساعت در هفته) در پایه‌های هفتم و دهم آموزش داده شود. همچنین در این طرح تاکید شده است که وزارت آموزش و پرورش مجاز است که از طریق دانشگاه فرهنگیان یا برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت پودمانی در هر منطقه، یک دوره آموزشی روش تدریس ادبیات زبان‌های قومی و محلی برای معلمان و دانشجویان آن دانشگاه برگزار نماید. اما با وجود تصویب طرح در کمیسیون مربوطه و قرارگرفتن در برنامه‌های صحن علنی مجلس، همچنان مسکوت مانده و به آن عمل نشده است. از این رو برای تحقق اصل ۱۵ قانون اساسی ضروری است که دولت و مسئولان امر به این آسیب توجه کرده و در تحقق آزادی انتخاب نوع آموزش به عنوان یکی از آسیب‌های حق بر آموزش اهتمام ورزند.

۱۲-۲- ضرورت تطبیق آموزش با ارزش‌ها و فرهنگ مهاجرین

در رابطه با اتباع خارجی یک حق اساسی وجود دارد و آن ضرورت تطبیق آموزش با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این افراد است. شکل و محتوای آموزش باید به گونه‌ای باشد که برنامه‌های درسی و شیوه‌های تدریس برای دانش آموزان و در موارد مقتضی برای والدین قابل قبول و پذیرش باشد، این مساله شامل احترام به زبان، فرهنگ، مذهب و حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های بومی در آموزش و ممنوعیت تنبیه بدنی می‌باشد^{۳۲}.

والدین و سرپرستان قانونی از آزادی آموزشی برخوردارند تا اطمینان حاصل کنند که تربیت دینی و اخلاقی فرزندان‌شان مطابق با اعتقادات آنها باشد. حق آموزش براساس پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت را ملزم می‌کند که به عقاید والدین، چه مذهبی و چه فلسفی، در کل برنامه آموزشی دولتی احترام بگذارد. آزادی

³⁰ Mowbray, Jacqueline, *Linguistic Justice: International Law and Language Policy*, Oxford: OUP Oxford (2013), 82.

^{۳۱} احمد رضا وحیدی، «تاملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» (قم: نشر معارف، ۱۳۸۵)، ۴۷.

^{۳۲} مهدی حاتمی، «حق بر آموزش و تربیت دولت‌ها» (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶)، ۱۱۲.

آموزشی شامل حق حذف کودکان از دروس خاصی است که از نظر ایدئولوژیکی عینی نیستند. به عنوان نمونه، برنامه درسی مدارس دولتی ممکن است علیرغم مخالفت والدین شامل تاریخ کلی دین و اخلاق باشد، به شرطی که دروس به صورت بی طرفانه و عینی ارائه شود، با این وجود والدین این حق را دارند، که مانع از شرکت فرزندانشان در این کلاس‌ها باشند و دولت‌ها نیز موظفند بدون تاثیرگذاری این عدم شرکت در نتایج و ارزیابی‌های نهایی، این حق را مورد احترام قرار دهند.^{۳۳} وجود آزادی در تنظیم محتوای دروس یکی از وجهه‌های آزادی آموزش و پرورش می‌باشد. شیوه‌ی تدریس معلمان نباید به گونه‌ای باشد که ذهن نوباوگان را تحت تاثیر عقاید و رویکردهای اجتماعی و سیاسی معلمان قرار دهد، این مسئله نظارت دستگاه‌های دولتی را از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار کرده است.^{۳۴}

در آئین نامه آموزش اتباع بیگانه ایران توجهی به حق اختصاصی بودن آموزش و ضرورت هماهنگ بودن آموزش با ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی اتباع بیگانه نشده است، این به معنی نادیده گرفتن حق اتباع مذکور نیست، زیرا برنامه آموزش نباید به گونه‌ای تدوین شود که ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی اتباع بیگانه را نادیده گرفته و مغایر آنها باشد. آموزش کودک مهاجر یا دارای تابعیت بیگانه نباید به گونه‌ای باشد که باعث تعارض فکری و فرهنگی کودک تحت آموزش در نظام ایران شود، بدیهی است بسیاری از اتباع تابع مذهب شیعه نبوده و سنی مذهب می‌باشند لذا آموزش نباید به گونه‌ای باشد که مغایر آموزه‌های مذهبی کودک مهاجر تلقی گردد. در عمل این حق کودکان مهاجرین در ایران نادیده گرفته می‌شود و در بسیاری از موارد آموزش‌های دینی در نظر گرفته شده برای شیعیان به کودکان مهاجرین غیر مسلمان و یا دارای مذهب سنی تحمیل می‌شود، از این روی می‌توان این انتقاد را به نظام آموزش و پرورش ایران وارد ساخت که در بحث حق بر آموزش اتباع خارجی معیارهای حداقل را رعایت ننموده و بسیاری از برنامه‌های آموزشی در مدارس ایران مغایر با اصول حاکم بر حقوق بشر در زمینه حق بر آموزش می‌باشد.^{۳۵} تعیین شرایط اداری دشوار برای ثبت نام اتباع خارجی از دیگر مشکلات پیش روی آموزش آن‌ها در نظام حقوقی ایران می‌باشد، در واقع بر طبق اصل در اختیار بودن آموزش لازم است شرایط ثبت نام ادامه تحصیل اتباع خارجی در مدارس ایران تسهیل شود. این در حالیست که مقررات و قوانینی که در خصوص ثبت نام اتباع خارجی در ایران وضع شده شرایط دشواری در برابر متقاضیان ثبت نام در مدارس قرار داده است.

بنابراین باتوجه به مطالب مبحث گذشته و این مبحث لازم است دولت قوانین دقیقی برای تضمین حمایت از توسعه حق بر زبان اقلیت‌ها در آموزش تصویب کند و توجه مضاعفی نسبت به اقلیت‌هایی که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند نشان دهد.^{۳۶} آموزش عمومی باید در تمام سطوح از مهد کودک تا دانشگاه در مکان‌هایی که تعداد قابل توجهی از اقلیت‌های زبانی اقامت دارند در اختیار آنها قرار بگیرد. استفاده متناسب از زبان اقلیت‌ها همراه با زبان

^{۳۳} مسعود حقیقت پاک کسمایی، «تعهدات دولت‌ها نسبت به حق بر آموزش به مثابه حقی اساسی با تاکید بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۴۰۰)، ۷۴.

^{۳۴} سید ابوالفضل قاضی، «بایسته‌های حقوق اساسی» (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶)، ۱۵۰.

^{۳۵} فاطمه کوچکی، «تعیین حقوقی تعهدات آموزش و پرورش نسبت به آموزش اتباع غیر ایرانی» (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد دماوند، ۱۳۹۷): ۴۹.

^{۳۶} Thematic Commentary No. 3 on the Language Rights of Persons Belonging to National Minorities under the Framework Convention (Council of Europe), 2012:14.

رسمی در آموزش و پرورش در دراز مدت، اثرات بسیار مفیدی خواهد داشت و میزان انصراف از تحصیل یا میزان مشروطی دانش آموزان را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج آکادمیک بهتری را در بر خواهد داشت.³⁷

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ذکر شد بر اساس اصل سی قانون اساسی فراهم نمودن وسایل و امکانات آموزش و پرورش رایگان بر عهده دولت گذاشته شده است و موظف است تا سرحد خودکفایی کشور آن را گسترش دهد. علاوه بر تاکید قانون اساسی بر امر آموزش و پرورش، بسیاری از قوانین دیگر داخلی و بین‌المللی نیز به اهمیت آن پرداخته‌اند. آموزش و پرورش در ایران طی سال‌های اخیر با آسیب‌های مهمی مانند کمبود نیروی انسانی که خود در مناطق دور افتاده و عشایری سبب بازماندن از تحصیل بسیاری از دانش آموزان گردیده رو به رو می‌باشد که می‌توان با در نظر گرفتن اصل شایسته‌سالاری و با استخدام نیروهایی که به نحوی با آموزش و پرورش همکاری داشته و تجربه تدریس دارند و نیز با برگزاری آزمون‌های عمومی و برگزاری کلاس‌های تخصصی در جهت آموزش آنان در صدد جبران این کمبود گام برداشت. یکی دیگر از این آسیب‌ها، سیاسی شدن آموزش می‌باشد که رویه‌ی ثابت را دنبال نمی‌کند و با تغییر دولت‌ها شکل و شمایل آموزش نیز در راستای خواسته‌های شخصی و متمرکز مسئولان امر تغییر می‌کند و به دیدگاه‌ها و نظرات مدیران و معلمان، والدین و دانش آموزان توجهی نمی‌شود. لذا ضرورت دارد این نظام آموزشی از حالت متمرکز خارج شده و به دیدگاه‌ها و نظرات مختلف نیز توجه شود. از طرفی وزارت آموزش و پرورش برخلاف سایر وزارتخانه‌ها از کسب در آمد محروم می‌باشد و همین امر سبب شده است که با کمبود بودجه شدید مواجه باشد و بودجه‌ای را که به آن اختصاص می‌آید را صرف پرداخت حقوق پرسنل کند و توان ارتقا و ایجاد امکانات را در مدارس نداشته باشد. لذا می‌توان با اختصاص ردیف مستقلی تحت عنوان بودجه برای تهیه وسایل و امکانات آموزشی (غیرپرسنلی) در صدد رفع این آسیب برآمد. در کنار تصویب طرح‌هایی برای الزام به آموزش اجباری توسط مجلس، به آموزش دختران که به خاطر ازدواج زودهنگام، سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی بیشتر در معرض ترک تحصیل هستند توجه نمود و در راستای آگاهی والدین آن‌ها برنامه ریزی کرد. برای بهبود نظام آموزشی کشور و تحقق اصول قانون اساسی میبایست به آموزش محلی از طریق ارائه آموزش‌های زبانی و فرهنگی هر منطقه (آزادی آموزش)، دسترسی به امکانات و اماکن آموزشی، ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای ارتقای فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش مجازی، بازنگری در محتوی کتب و مواد آموزشی، بهبود کیفیت خدمات در مدارس، پراکندگی اصولی مدارس در سطح کشور به گونه‌ای که همه اقشار، مدارس را در دسترس خود بیابند و بهبود وضعیت معیشت معلمان و کارمندان مدارس در جهت بهره‌وری نظام آموزشی، در نظر گرفتن ارزش‌ها و فرهنگ مهاجرین و اتباع، ارتقای عدالت آموزش و توجه به مناطق دور افتاده و مرزی و غیره توجه ویژه شود.

³⁷ United Nations Forum on Minority Issues Compilation of Recommendations of the First Four Sessions 2008 to 2011:10.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اسلامی هرندی، فاطمه، فریبا کریمی و محمد علی نادی، «شناسایی مولفه های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۳، ۴۷ (۱۳۹۸): ۷۵-۵۵.
- بدیخی، مهرداد، غلامحسین مسعود و فرامرز عطریان، « دولت رفاه و آموزش و پرورش رایگان با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوق پزشکی، ویژه نامه نوآوری حقوقی (۱۴۰۰): ۱۰۷-۹۱.
- حاتمی، مهدی، حق بر آموزش و تعهدات دولت ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
- حقیقت پاک کسمایی، مسعود، «تعهدات دولت ها نسبت به حق بر آموزش به مثابه حقی اساسی با تاکید بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، مازندران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۴۰۰.
- ربانی، محدثه، محمدرضا کرامتی و کیوان صالحی، «یادگیری مشارکتی در محیط برخط: چالش ها و راهکارها»، نشریه علمی فناوری آموزش، ۱۸، ۲، (۱۴۰۲)، ۱۴-۱.
- رحمت الهی، حسین، زهرا دانش نازی « حق و آزادی آموزش و پرورش»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۳، ۷ (۱۳۹۳): ۷۰-۵۳.
- رنانی، محسن، «توسعه یعنی عدالت در آموزش انسان محور» (تهران: سیاستگذار رفاه، ضمیمه اقتصادی شرق)، ۱۳۹۴.
- رهایی، سعید، زهرا رزاق مرندی، «حق بر زبان مادری و آموزش»، فصلنامه حقوق بشر، ۱۲، ۱ (۱۳۹۶)، ۱۱۶-۹۵.
- زینلی، حمید، «مسائل اساسی نظام آموزش و پرورش ایران»، تهران: اندیشکده سیاستگذاری تعلیم و تربیت هجرت ۱۴۰۲.

- زهرا فرضی زاده، مهدی طالب و محمودتوسلی، «بررسی موانع تحصیل دختران روستایی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۳، ۱۲۹ (۱۳۹۶)، ۱۱۵-۱۳۴.

- شعبانی، قاسم، «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران»، چاپ پنجاه و سوم، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۹۳.

- طباطبایی مومنی، منوچهر، «بررسی و تحلیل حقوق شهروندی و حقوق بشر آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، چاپ دهم، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۴۰۱.

- عزیزی، نعمت اله، پیروش جعفری، خلیل غلامی، صلاح الدین محمدی عیسی آباد، «چگونگی ادراک معلمان کردستان از رفاه خویش و عوامل موثر بر آن بر پایه رویکرد داده بنیاد» مجله علوم تربیتی، ۲۴، ۲ (۱۳۹۶): ۱۲۸-۱۰۹.

- قاضی، سید ابوالفضل، «بایسته های حقوق اساسی»، چاپ پنجاه و ششم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.

- کوچکی، فاطمه، «تعیین حقوقی تعهدات آموزش و پرورش نسبت به آموزش اتباع غیر ایرانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دماوند: دانشگاه آزاد، ۱۳۹۷.

- مردی، الهام، اعظم قربانی، «مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰، ۲۰ (۱۴۰۰)، ۱۲۰-۹۱.

- مظهری، محمد، سید علی موسوی و رحیم روانی، «بررسی حق تحصیل از لحاظ عوامل وابسته به آن در نظام حقوقی ایران»، نشریه مطالعات شهروندی، ۱، ۲ (۱۴۰۱): ۱۰۶-۸۳.

- موسوی، سید حسن، «نقش کتب درس در برنامه‌های آموزشی»، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹: آدرس:

<http://saeiyan2.blogfa.com/post/8/>

- وحیدی، احمدرضا، «تاملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، قم: نشر معارف، ۱۳۸۵.

- «بودجه آموزش و پرورش»، پایگاه روزنامه کیهان، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰، آدرس:

<http://www.pishkhan.com/news/203804>

- «صدای معلم»، پایگاه خبری تحلیلی معلمان ایران، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵، آدرس:

<http://www.sedayemoallem.ir>

(ب) منابع خارجی

-BhaskaraRoa, D. (2007). Education for all Global Consensus Dehli: APH Publishing Corporation.

-Capatano, J. The challenges of equity in public education. (2017), www.jordancapatano.us.ir.

-Council of Europe (1950), First Additional Protocol to the European Convention on Human Rights.

-European Parliament (2000), Charter of Fundamental Rights of the European Union.

-Levin, H. M. The economic payoff to investing in educational justice. Educational Researcher, 38(1), (2009), 20-5. DOI: 10.3102/0013189X08331192.

-Macleod, C. M. Development of women`s education in Kenya, International NGO journal, 5(3), (2010), 68-73.

- Mowbray, Jacqueline, *Linguistic Justice: International Law and Language Policy*, Oxford: OUP Oxford (2013).
 - OIC (1990), *Cairo Declaration on Human Rights in Islam*.
 - M. Seel, O. (2012). *Encyclopedia of the Sciences of Learning*. Springer; 2012th edition.
 - Sushmita dutt (2010), "Girls education as freedom", *Indian journal of gender studies*.
 - Thematic Commentary (2012), No. 3 on the Language Rights of Persons Belonging to National Minorities under the Framework Convention (Council of Europe).
- United Nations (2011), *Forum on Minority Issues Compilation of Recommendations of the First Four Sessions 2008 to 2011*.
- UNESCO (1960), *Convention against Discrimination in Education*.
 - United Nations (1966), *International Covenant on Civil and Political Rights*.
 - United Nations (1989), *Convention on the rights of the child*.